

استخراج نفت از دریای کاسپین؛ به چه قیمتی؟

مصطفی حسن پناه

hassanpanah@alum.sharif.edu

بهمن ۹۱

مقدمه

چندی است پروژه‌های اکتشاف و حفاری و استخراج در دریای کاسپین پیگیری می‌شوند. البته حرف و سخن از نفت شمال به ازمنه‌ی پیش از انقلاب اسلامی باز می‌گردد. ایران به عنوان یک کشور نفتی که مستمراً بر منابع کشف شده‌اش افزوده شده است، امروز در میراث دریای تتیس هم نفت قابل استخراج دارد. در اینجا قصد داریم به برخی نکات پیرامون این موضوع اشاره کنیم.

ایران از مدت‌ها قبل یک کشور نفتی بوده است. در ادوار گذشته تلاش برای استخراج و فروش نفت یک کار مهم قلمداد می‌شد، زیرا با توجه به سهم عمده‌ی نفت در صادرات، استمرار استخراج نفت و فروش آن، استمرار درآمد کشور را تضمین می‌کرد. ایران در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی با توجه به جمعیت کم، عدم توسعه‌ی صنعتی و رفاهی مصرف داخلی چشمگیری نداشت و می‌توانست عمده‌ی نفت خود را به سهولت صادر کند. سرمایه‌گذاری و تکنولوژی شرکای غربی در صنعت نفت ایران که ناشی از سود سرشار و نیاز حیاتی کشورهای توسعه‌یافته‌ی صنعتی به نفت هم به عنوان حامل انرژی و هم به عنوان ماده‌ی اولیه بود، باعث رشد سریع صنعت نفت در ایران گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (قدس سره) روابط خصمانه و جنگ تحمیلی دولت‌های واردکننده‌ی نفت در انتظار ایران بود. با اینکه صادرات نفت برای ایران امری حیاتی بود و با وجود همه‌ی مشکلات هرگز قطع نشد، اما سرعت رشد صنعت نفت در ایران کند شد. هر چند ممکن است این اتفاق دارای ابعاد منفی بسیاری قلمداد شود اما در مقابل این امر خوشبختانه تدریجاً به مانعی بزرگ برای تبدیل اقتصاد ایران به اقتصادی مشابه عربستان بدل شد. توجه به صادرات غیر

نفتی، تولید داخلی و اقتصاد مقاومتی در سال‌های اخیر شاهدهی بر همین امور است. از طرفی تحریم‌های جدید نیز، این امر را گوش زد می‌کنند که رشد تولید ملی و صادرات غیر نفتی تنها راه نجات اقتصاد کشور - بدون انزوای از جهان خارج است.

تحریم‌ها و صدور نفت

تحریم‌های جدید نفتی که هدف آن‌ها از پای درآوردن ایران و نه توقف برنامه‌ی اتمی است، اینک جایی را هدف گرفته‌اند که عاقلان و بزرگان نظام آن را پیش‌گویی می‌کردند. بر همین اساس از گذشته به توقف فروش نفت و عدم کسب در آمد از راه فروش نفت خام و فرآورده‌های خام دیگر تأکید شده است. سختی فروش نفت خام برای کشورمان همچنان مشکل‌زا است و در نهایت منجر به کاهش ولو اندک در آمد ایران از طریق فروش نفت خام می‌شود.

پیش از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، گفته می‌شد که با رشد غیر عادی مصرف انرژی در ایران تا سال ۱۴۰۰ نفتی برای صدور وجود نخواهد داشت و بیشتر نفت و گاز تولید شده صرف مصارف داخلی خواهد شد. بعد از اجرای فاز نخست قانون هدفمندی یارانه‌ها و تلاش برای کاهش مصرف داخلی انرژی، اکنون ایران کمی کمتر از ظرفیت تولید و صادرات خود نفت صادر می‌کند؛ یعنی نیازی به افزایش تولید برای حفظ میزان صادرات نیست.

تجهیزات صنعت نفت ایران علی‌رغم بسیاری از ادعاها، حداکثر ۳۰ درصد داخلی هستند. با توجه به تحریم‌های شدید صنعتی که مانعی برای رشد تأسیسات نفت و گاز جنوب و جنوب غرب کشور هستند، به نظر می‌رسد تسریع توسعه‌ی سایت‌های نفتی در این مناطق در اولویت باشد در چنین شرایطی تقدم توسعه‌ی استخراج نفت و گاز در مناطق دیگر توجیهی قوی ندارد.

محیط زیست مظلوم

محیط زیست مناسب نعمتی الهی است که در همه‌ی جنگ‌ها مغفول است. شایان ذکر است که جنگ اقتصادی به هیچ عنوان از این قاعده مستثنی نیست. در این شرایط تبدیل قسمتی از کرانه‌های دریای کاسپین به سایت‌های نفتی و تأسیسات پخش و پالایش، محیط زیست منطقه را شدیداً در معرض خطر قرار می‌دهد. دریای کاسپین در نهایت یک دریاچه است و راهی به آب‌های آزاد ندارد به همین علت سرعت رشد غلظت آلاینده‌ها در این دریاچه شگفت‌آور خواهد بود. مساحت کم و جمعیت زیاد نوار شمالی کشور بسرعت زیست بوم را به نقطه‌ی بی‌بازگشت خواهد رساند. تصرف البته

قانونی اراضی ملی با کیفیت زیستی بالا برای تأسیس صنایع خشنی چون پالایشگاه منجر به تشدید سرعت نابودی زیست بوم خواهد شد و بسرعت سرزمینی مرده برجای باقی خواهد ماند.

باید توجه نمود که اراضی تصرف شده غیر از ساحل، جنگل، مرتع یا زمین کشاورزی نخواهند بود و تصرف هر کدام از این نوع زمین‌ها عواقب خود را دارد. برای مثال تصرف جنگل به صورت توأم با ایجاد آلودگی که خود موجب تخریب بیشتر جنگل خواهد شد و در نهایت اثر مخرب مضاعف خواهد داشت.

اتفاقی که به سرعت برای محیط زیست منطقه خواهد افتاد، جذب گردشگر را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و کشاورزی را تخریب می‌کند، به دنبال آن، جمعیت بیشتری از کشاورزان کار اصلی را رها کرده و به دنبال مشاغل دیگر می‌روند که این امر تولید ناخالص غیر نفتی استان را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. از طرف دیگر، برخی از افراد که در مجاورت صنعت نفت کسب و کاری برای خود نمی‌یابند مجبور می‌شوند با فقر و تنگدستی دست و پنجه نرم کنند.

افزایش جمعیت ناشی از مهاجرت نیز به نوبه‌ی خود ساخت و ساز بیشتر، فشار بیشتر بر منابع و در نهایت تخریب بیشتر منابع و زیست بوم را به دنبال خواهد داشت.

توجیه اقتصادی

اینکه گفته شود استخراج و فروش نفت منطقه‌ی شمال اقتصاد گیلان را متحول خواهد کرد بسیار خوشبینانه است زیرا منافع نفت در ایران ملی است نه استانی. رجوع به تجربه‌ی استان‌های جنوبی در این زمینه بسیار پند آموز خواهد بود. این استان‌ها با مشکلات متعدد اقتصادی و زیست محیطی دست و پنجه نرم می‌کنند. از طرفی با توجه به اینکه ایران همچنان در تأسیسات افتتاح شده یا در شرف افتتاح - که خیلی زودتر از تأسیسات شمالی - نفت کافی برای صادرات را تولید می‌کند و در صورت امکان تولید بیشتر معلوم نیست بتواند صادرات را افزایش دهد. توجیه اقتصادی تولید نفت در نقطه‌ی حساس، کوچک و بی‌همتایی مانند نوار شمالی کشور علی‌الاصول بسیار ضعیف خواهد بود.

شایان ذکر است اگر اثرات منفی ذکر شده به معادل ریالی تبدیل و در توجیه اقتصادی به کار بسته شوند بسیار بعید است که بتوان توجیه اقتصادی قابل قبولی یافت.

مسائل فرهنگی

هجوم جمعیت عمدتاً غیر بومی که برای مثال در سایت نفتی رودسر حدود ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر خواهد بود، به طور قطع فرهنگ منطقه را جداً تحت تأثیر قرار خواهد داد. اینکه گفته شود، تلاش مدیریت مجموعه برای جذب جمعیت بومی خواهد بود بسیار مستبعد است، زیرا هم مدیریت مجموعه مانند منافع حاصل از نفت، یک مدیریت ملی خواهد بود و از طرف دیگر بسیار بعید به نظر می‌رسد که گیلان، پیرترین استان کشور که همواره مهندسان خوب خود را به استان‌های دیگر و حتی خارج از کشور صادر کرده است، بتواند در زمان مناسب مهندسان بومی کافی در رشته‌های مرتبط را برای استخدام در پروژه‌های نفتی مورد اشاره بیابد.

نتیجه‌گیری

با توجه به تمام موارد مورد بحث، در نظر گرفتن تمام جوانب و تمهید دقیق برای مواجهه و کاهش اثرات فرهنگی و زیست محیطی استخراج طلای سیاه از کرانه‌های جنوبی دریای خاویار می‌تواند شیرینی و رونق توسعه‌ی فوق‌الذکر را صدچندان کند.

چه خوب است اکنون که هنوز فرصت هست به عاقبت کار بیان‌دیشیم. گیلان می‌تواند قطب کشاورزی، صیادی، صنایع غذایی، صنایع دستی، گردشگری، صنایع ظریف با تکنولوژی بالا باشد. گیلان می‌تواند جلوی تبخیر جمعیت خود را بگیرد. احیای اراضی کشاورزی و برنج و چای و کف و نوغان‌داری می‌تواند ضرورت استخراج نفت را با ابهام روبرو کند یا دست‌کم با کند کردن شتاب توسعه‌ی غیر پایدار زمینه ساز خسارت‌های کمتر توأم با آمادگی بیشتر برای اشتغال نیروهای جوان و آینده‌دار استان گردد.